

پاسپورت
محموند دوش - سمیح القاسم

نزال قبانی

ترجمہ: فرید تنسی

www.ketab.ir

سرشناسه: قدمی، فرید، ۱۳۶۴ - مترجم و گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: پاسپورت، / محمود درویش - سمیع القاسم - نشر قلم
مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: [۹۶]ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۳۶۶-۴
موضوع: شعر عربی ترجمه شده به فارسی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ پ ۲ ق ۴ / ۲۶۲۵ PJA
رده بندی دیویی: ۸۹۲ / ۷۱۶۰۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۸۸۰۷

فصل پنجم/ ناشر تخصصی

پاسپورت / محمود درویش - سمیع القاسم - نزار - مرجع: فرید قدمی

چاپ اول: ۱۳۹۵ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طراح جلد: گروه طراحان ۴ میخ / احسان اصم - بیان

شابک: ۴ - ۳۶۶ - ۳۰۴ - ۶۰۱ - ۹۷۸

صندوق پستی ناشر: ۴۵۱ - ۱۳۱۴۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram: fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

پیشگفتار ۹

محمود درویش ۱۹

سمیح القاسم ۵۳

نزار قبانی ۶۷

مثل یک توله‌سگ است نوشتن

زخم می‌زند

بی اثری از خون.

محمود درویش

پس از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، سرزمین‌های عربی تحت قیمومت فرانسه، امریکا و انگلستان درآمدند. انگلستان مطابق پیمانی که با برخی یهودیان ثروتمند در میانه‌ی جنگ بسته بود، اساس کانونی یهودی را در مناطق فلسطینی داد. ظهور این کانن سرآغاز قدرت گرفتن صهیونیست‌ها در منطقه بود. کانن یهودی بخش بسیار کوچکی از اراضی فلسطین را خرید و مهاجرت یهودیان به این سرزمین با شتاب بیشتری دنبال شد. جاه‌طلبی‌های این یهودیان بیگانه تحت حمایت انگلستان، و آزار اعراب فلسطینی به نخستین درگیری میان اعراب و یهودیان مهاجر در تابستان ۱۹۲۹ منتهی شد. در این درگیری بیش از سیصد و پنجاه فلسطینی کشته شدند.

به تدریج درگیری‌ها میان اعراب فلسطینی در طرفی و مهاجران صهیونیست و سربازان انگلیسی در آن طرف دیگر شدت گرفت و شیخ عزالدین قسام و یارانش بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۶ با مبارزه‌ی مسلحانه را پی گرفتند و پس از شهادت آنان نیز عبدالقادر حسینی و حسن سلامه رهبری مبارزات مسلحانه را عهده‌دار شده.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی دوباره‌ی متفقین، انگلستان در پنجاهم ماه می ۱۹۴۸ به قیمومت خود بر فلسطین پایان داد و تجهیزات خود را در اختیار صهیونیست‌ها گذاشت. در همان روز، «شورای ملی یهود» در تل‌آویو تشکیل شد و دیوید بن گورین موجودیت دولت اسرائیل را اعلام کرد. در پی آن، نظامیان اسرائیلی شهرها و روستاهای فلسطینی را تصرف کردند؛ بیش از نیمی از مردم آواره شدند و به نوار غزه، اردن، لبنان، سوریه، مصر و عراق پناه بردند. اشغالگران برای ایجاد رعب و وحشت عمومی در آوریل ۱۹۴۸ از جمله کشتار «دیر یاسین» و «کفر حسام» به راه انداختند.

در جنگ ۱۹۴۸ بیش از هفتاد و پنج درصد از خاک فلسطین به اشغال اسرائیل درآمد.

سمیح القاسم می‌گوید: «من اگرچه سال ۱۹۳۹ به دنیا آمدم، گاهی می‌گویم متولد ۱۹۴۸ هستم. در آن سال اسرائیلی‌ها روی تپه‌ای من، رامه در الجلیل، را بمباران کردند. سربازان اسرائیلی را به خاطر می‌آورم که روی بام‌ها می‌رفتند، درها را می‌شکستند و خانه‌ها را می‌گشتند.»

اسرائیل در ماه می ۱۹۴۹ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و «سربازان آزادی بخش» فلسطین در ماه می ۱۹۶۴ اعلام وجود کرد. پیش از این تاریخ، حزب کمونیست اسرائیل تنها سازمان تشکیل یافته‌ی تمام فلسطینیان به شمار می‌رفت. محمود درویش ابتدا به حزب کمونیست پیوست و در ۱۹۶۷ به سازمان آزادی بخش فلسطین ملحق شد، اگرچه به سال ۱۹۹۹ از سازمان آزادی بخش فلسطین نیز استعفا داد، در اعتراض به توافق اُسْلُو.

در ۱۹۶۷ هنگامی که کشورهای عربی پس از سال‌ها سکوت و بی‌توجهی درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، خود را آماده‌ی نبردی بزرگ با اسرائیل می‌کردند، در پنجم ژوئن با حمله‌ی غافلگیرانه‌ی ارتش اشغالگر روبه‌رو شدند. در این جنگ، که به جنگ شش‌روزه مشهور شد، نوار غزه، کرانه‌ی غربی رود اردن، بلندی‌های جولان در سوریه و صحرای سینا در مصر به تصرف

نظامیان اسرائیلی در آمد.

در اکتبر ۱۹۷۳ ارتش مصر از کانال سوئز گذشت و به
صحرای سینا و پایگاه‌های نظامی اسرائیل هجوم برد. سوریه نیز
با جریان نبرد پیوست. در روزهای بعد، با دخالت امریکا به سود
اسرائیل و عدم حمایت دیگر کشورهای عربی از مصر و سوریه،
جنگ پایان یافت.

در ۱۹۷۸، انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، و مناحیم
بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، پای میز مذاکره نشستند و پیمان
صلح کمپ دیوید را در حضور جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت
امریکا، امضا کردند.

نزار قبانی، شاعر سوری، در شعر «چهره‌ی قانا» می‌نویسد:

«...»

قانا نقاب ز چهره‌شان برکند،

و دیدیم چهره‌ی امریکا را

بر تنش دلقِ کهنه‌ی خاخامی یهودی

قتل‌عام را رهبری می‌کرد.

به گلوله بستند بچه‌ها را بی‌دلیل

به گلوله بستند بی‌سبب زن‌ها را

به گلوله بستند بی سبب درخت‌ها را

به گلوله بستند فکرها را نیز.

نکته: تو قانون اساسی امریکا

که مید و آقای عالم است)

نوشتند: «عربی»

که بیفتید به جان حرب‌ها.»

در سال‌های پس از ۱۹۴۸ برخی از فلسطینیان در دو

منطقه‌ی نوار غزه و کرانه‌ی غربی تحت حاکمیت سازمان‌ها و

احزاب فلسطینی زندگی کردند. برخی در همان سرزمین‌های

۱۹۴۸ تحت حاکمیت دولت اسرائیل ماندند، برخی به کشورهای

عربی همسایه پناه بردند و برخی نیز آوارگی دیگر نقاط این کره‌ی

خاک شدند.



بر آسمان نوشتم: مرگ بر اسرائیل

آسمان را محاصره کردند.

معین بسیسو

می‌توان گفت جریان مدرن و پیشروی شعر عرب در اواخر دهه‌ی

۱۹۴۰ با رواج شعرِ تفعلیه آغاز شد و در دهه‌ی ۱۹۶۰ با ظهور

شاعران بزرگی همچون محمود درویش، سمیح القاسم، معین بسیسو، نزار قبانی و توفیق زیّاد به اوج خود رسید. این‌ها شاعرانی بودند که دیوار سنت‌ها را شکستند و آثاری زنده و جاودان آفریدند، آثاری که بارها و بارها به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شد و در سراسر جهان خوانندگانی یافت.

اگرچه اکثر شاعران عرب آثار سترگی درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین از خود به یادگار گذاشته‌اند، این سه نام مثلث مشهور شعر مقاومت فلسطین را می‌سازند: محمود درویش، سمیح القاسم و معین بسیسو. این سه بارها به خاطر نوشته‌ها و فعالیت‌هایشان زندانی شدند و کتاب‌هایشان به حاق توقیف رفت.

در آغاز جنگ ۱۹۴۸ معین بسیسو در قاهره دانشجو بود و سمیح القاسم نه‌ساله و محمود درویش شش‌ساله در فلسطین زندگی می‌کردند. سمیح و محمود دوستان نزدیکی بودند و هنوز نیز نام هریک یادآور نام دیگری است. سمیح حتّی پس از جنگ شش‌روزه‌ی ۱۹۶۷ و تشدید وحشیانه‌ی آزار اعراب حاضر به خروج از سرزمین مادری‌اش نشد و پس از خروج درویش از فلسطین در ۱۹۷۱ نامه‌های سرگشاده‌ی تندی به او نوشت. سمیح القاسم می‌گوید: «من در کشورم ماندم، نه به این خاطر که جانم را

دوست نداشتم، بل به این خاطر که میهنم را دوست تر می داشتم.»
وجه پلیسی - امنیتی اسرائیل از این رو در آثار سمیع القاسم
برجسته تر است که او در حیفاء، تحت حاکمیت دولت اسرائیل،
زندگی کرد، حال آن که درویش و بسیسو این وضعیت را تاب
نیاوردند و در امور حاکمیت اسرائیل نماندند.

درویش می نویسد:

«اندازه می کنند برده ها

فضای بین هستی و نیستی را

از پشت تانک

با دوربین.»

سمیع القاسم می نویسد:

«خفاش ها که در آستانه ی خانه ی من

خفاش ها که پشت روزنامه ها

خفاش ها

که هر گوشه و کنار

رد می زنند رد پای مرا،

خفاش ها

که زاغ سیاه مرا چوب می زنند.»

درویش به بیروت و پاریس رفت، بسیسو به عراق و غزه (زادگاهش) و لبنان. نزار قبانی، که بیشتر به خاطر شعرهای عاشقانه‌اش در جهان شهره است، نیز پس از جنگ ۱۹۶۷ به لندن رفت و انتشارات «نزار قبانی» را بنیان نهاد؛ انتشاراتی که بدل به صدای مقاومت فلسطین در اروپا شد. در شعرهای سیاسی نزار نیز ردپای شعرهای عاشقانه‌اش هست.

قبانی می‌نویسد:
به گلوله بستند ریشای زنان جنوب را
و قتل عام کردند
بوستان آن چشم‌های عسل را زرد»

□□

شاعری عرب زمانی گفته بود که اگر دنیا به کسی در خیابان با خودش حرف می‌زند بداند که یا دیوانه است یا فلسطینی. از پایان جنگ جهانی دوم تا امروز می‌شود این را به راحت و با صدای بلند گفت که فلسطین مهم‌ترین مسأله‌ی جهان است و اولین آن را سندروم متحد این کره‌ی خاک دانست. بنیادگرایی، نژادپرستی، نظامی‌گری، اشغال و توحش سازمان‌یافته همه‌گی در یک نام جمع می‌شوند: اسرائیل. هر شکلی از توحش و سرکوب در سیستم نظامی - پلیسی اسرائیل رؤیت‌پذیر است و هر شکلی از ستم‌دیدگی

و دیفران در تن‌ها و زبان‌های فلسطینی.

فلسطین همچنان اسم رمزی است برای رهایی: بشر هیچ‌گاه
نمی‌تواند از آزادی حرف بزند، پیش از آن‌که بتواند از فلسطین
آزاد حرف بزند.



کتابی که پیش‌رو را بدیده‌ای است از شعرهای محمود درویش،
سمیح القاسم و انزاق قبانه ترجمه‌ی برخی شعرها به سال‌های دور
برمی‌گردد و برخی هم حاصل کار همین روزها بوده.

فرید قدمی

تهران، شهریور ۹۵